

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

بازخوانی سیر تطور اندیشه در آثار دکتر حسین شکویی*

سیدمحسن حبیبی^۱

سارا حمیده^۲

نوید پورمحمدرضا^۳

چکیده

هدف این نوشتار، کاوشی در اندیشه‌ها و تفکرات دکتر حسین شکویی از طریق بازخوانی آثار و بررسی سیر تحول و تطور اندیشه در فکر و ذهن او در قالب سه دوره فکری مشخص است. دوره اول (۱۳۵۳-۱۳۴۹) با دو کتاب «فلسفه جغرافیا» و «جغرافیای شهری» تعریف می‌شود. بازخوانی و بررسی دقیق آثار این دوره، دکتر شکویی را در مقام شارح اندیشه‌ها و مکاتب جغرافیایی معرفی می‌کند. مطالعه و بررسی آثار دوره دوم حیات فکری - علمی او (۱۳۵۷-۱۳۵۳) - کتاب‌های «شهرک‌های جدید»، «مقدمه بر جغرافیای جهانگردی»، «محیط زیست شهری» و «حاشیه‌نشینان شهری» - نشان از تحولی معنادار و قابل توجه در اندیشه‌ها و تفکراتش دارند. دکتر شکویی در این دوره با تأکید بر شارح بودن به نقد و تحلیل مضامین و موضوعات جغرافیایی می‌پردازد. دوره سوم فعالیت‌های علمی او (۱۳۸۴-۱۳۵۷) مشتمل بر کتب و مقالات متعددی است که با نگارش «جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی» آغاز و با تحریر «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم)» پایان می‌یابد. واقع امر این است که در آثار دوره متأخر، نخستین رایج‌های نظریه‌پردازی در باب موضوعات جغرافیایی در کنار شرح و نقد و تحلیل آنها به مشام می‌رسد. بدین ترتیب در دوره سوم، دکتر شکویی در عین شارح و ناقد بودن به تدوین نظریه نیز روی می‌آورد.

واژگان کلیدی: مکتب‌های جغرافیایی، فلسفه جغرافیا، جغرافیای شهری، جغرافیای کاربردی.

* به هنگام آخرین تدوین مقاله، به ناگاه بانگی برآمد که استاد ارجمند و عزیز حوزه جغرافیا دکتر مصطفی مومنی رفت و باقی را به فانی ترجیح داد. در بزرگداشت دکتر حسین شکویی، او رئیس جلسه‌ای بود که گوشه‌ای از این مقاله در آنجا ارایه شد، و اکنون این مقاله تقدیم می‌شود به این استاد فرهیخته که جایش چون دکتر حسین شکویی خالی خواهد ماند.

مقدمه

دکتر شکویی را می‌توان یکی از پیشگامان جغرافیای علمی و معاصر ایران دانست. او در مقام شارح، ناقد و نظریه‌پرداز، تأثیری جدی و قابل تأمل بر عرصه جغرافیای ایران زمین داشته است. بی‌شک بررسی و بازخوانی کتب و مقالات متعدد او و توجه دقیق به آراء و اندیشه‌های مطروحه در این آثار، می‌تواند در فهم و شناخت فعالیت‌های علمی - فکری دکتر شکویی، گامی مؤثر و راهگشا باشد. بر همین اساس نوشتار حاضر در قالب سه دوره فکری به بررسی و تبیین اندیشه‌ها و تفکرات او می‌پردازد. در ضمن لازم به ذکر است که پژوهش حاضر عمدتاً مبتنی بر بازخوانی و تحلیل آثار منتشر شده دکتر شکویی - کتب و مقالات - و شرح و تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های او از خلال این متون بوده و در این میان به داده‌های زندگی‌نامه‌ای، مصاحبه‌ها و مطالبی که در ارتباط با او به رشته تحریر درآمده‌اند، به فراخور نیاز و به گونه‌ای گذرا اشاره شده، بی‌آنکه نقش محوری در کار حاضر داشته باشند.

پیش از پرداختن به موضوع اصلی، در ارتباط با زندگی دکتر شکویی به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که او در سال ۱۳۱۲ در شهر تبریز متولد شد. سالیان متمادی به کار علمی - پژوهشی در حیطه علم جغرافیا پرداخت و در سال ۱۳۸۴ چشم از جهان فرو بست.

دوره اول (۱۳۵۳ - ۱۳۴۹)

این دوره از حیات علمی و فکری دکتر شکویی در سال ۱۳۴۹ با انتشار کتاب «فلسفه جغرافیا» آغاز و در ادامه با انتشار دو جلد کتاب «جغرافیای شهری» در

سال ۱۳۵۲ پایان می‌گیرد. دوره‌ای که به مثابه نقطه عزیمت فکری - فلسفی دکتر شکویی در سفر برای آگاهی یافتن و کشف افق‌های تازه در علم جغرافیا از اهمیتی بسیار برخوردار است. واقع امر این است که بازخوانی و قرائت چندباره آثار او و عطف به دیدگاه‌ها و ایده‌های مطروحه در آنها نشان از نقش و تأثیر قابل تأمل و جدی آثار این دوره در زندگی و فعالیت‌های علمی‌اش دارد. فلسفه جغرافیا جدا از آنکه عنوان نخستین کتاب دکتر شکویی است، مضمون و انگاره‌ای ماندگار و همیشگی در تفکر و اندیشه او بوده است؛ به همین سبب، آخرین دستاوردش در حیطه علم جغرافیا - اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (۱۳۸۲) - نشانه‌ای روشن و متقن بر این مدعاست. با استناد به مقدمه دکتر شکویی بر کتاب، در سال ۱۳۶۴، می‌توان تصویری گویا و مشخص از مفهوم فلسفه جغرافیا به دست آورد. او می‌گوید: «فلسفه جغرافیا از عمومی‌ترین قوانین حاکم بر روابط انسان و محیط بحث و گفت‌وگو دارد. به سخن دیگر، فلسفه جغرافیا، عبارت است از جهان‌بینی خاص از روابط جوامع انسانی و شرایط محیطی، پیوند واقعیت پدیده‌ها با یکدیگر در جهت آشنایی با وحدت و تجانس ناحیه‌ای و بالاخره اصول و قوانین حاکم بر روابط انسان و محیط. مثل این است که فلسفه جغرافیا از وحدت نظام‌یافته سخن می‌گوید که در عین کثرت از وحدت و تجانس لازم بهره‌مند است» (شکویی، ۱۳۶۴: مقدمه)^۱. با توجه به این مضمون، محور اصلی و عمده بحث در این کتاب ارایه تعاریف و توضیحاتی روشن‌گر و راهگشا در ارتباط با مفاهیم پایه‌ای و اساسی علم جغرافیاست؛ مقولات و مفاهیمی نظیر: علم جغرافیا،

۱- چاپ اول کتاب «فلسفه جغرافیا» (۱۳۴۹) فاقد مقدمه است. در چاپ سوم این کتاب (۱۳۶۴)، مقدمه مذکور به آن اضافه شده است.

تقسیمات جغرافیایی، واحدهای جغرافیایی، ناحیه، کانون‌های ناحیه، فرهنگ در جغرافیا و نسبت آن با عوامل محیط طبیعی، جغرافیای انسانی و...^۱. به دیگر سخن می‌توان گفت که دغدغه اصلی نویسنده در این کتاب تلاشی است برای نیل به معرفی و شرح مفاهیم و مضامین بنیادین و البته انتزاعی علم جغرافیا، که در ورای تمامی استفاده‌های کاربردی و عملی از این علم، قرار می‌گیرند.

کتاب دوم او نیز یعنی جغرافیای شهری، بسط و ادامه همان تفکر و دغدغه، البته این بار در ارتباط و پیوستگی کامل با مفهوم شهر است. بنابراین شکل و سیاق روایت - از نظر اهداف، اصول و روش کار - در این کتاب، به سان اثر قبلی است. جلد اول کتاب با معرفی و شرح مفاهیم پایه و اساسی نظیر قلمرو جغرافیای شهری، علت وجودی شهرها، اکولوژی شهری، نقش شهرها آغاز و در ادامه با بررسی وضعیت شهرها در طول تاریخ، پیچیدگی و مشکلات کلانشهرهای امروزی، به شرح و تبیین اجمالی و کوتاه مقولات عینی و ملموس نظیر متابولیسم شهرها، نقش وسایل ارتباطی در شهرها، وضعیت بازارها، بخش مرکزی شهرها و نیز حومه‌های شهری و زاغه‌ها می‌پردازد.^۲

جلد دوم کتاب نیز با معرفی و شرح نظریاتی مرتبط با ساخت و توسعه شهرها آغاز و با بررسی شرح آراء و اندیشه‌های جغرافیدانان و شهرسازی چون هومر هویت، رابرت دیکنسون، ابنزهروارد، لوکوروبوزیه، پاتریک گدس و شماری دیگر، به مقولاتی نظیر طرح و برنامه‌ریزی شهری، نحوه استفاده از زمین‌های شهری، تراکم و ترکیب و جدایی‌گزینی جمعیت شهری پرداخته، و با شرح و بیان

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: شکویی (۱۳۶۴)، فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی.

۲- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: شکویی (۱۳۵۲)، جغرافیای شهری، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تبریز.

خصیصه‌های شهری در نواحی مختلف جغرافیایی-شامل معرفی و بررسی خصوصیات شهرهای سنتی قاره آسیا، شهرهای غربی، شهرهای خاورمیانه و نیز شهرهای ایران - پایان می‌پذیرد^۱.

آنچه در ارتباط با کتاب‌های فوق و به طور کلی اندیشه دکتر شکویی در نخستین دوره فکری او بارز و مشهود است، پیشتازی او به عنوان شارح عقاید، اندیشه‌ها و مکاتب جهانی در حیطه علم جغرافیا در ایران است؛ اندیشه‌ها و عقایدی که برخی از آنها تا آن زمان هرگز در جوامع علمی و دانشگاهی ایران مطرح نگردیده بودند. حضور پرشمار منابع لاتین در این کتاب‌ها^۲ که به عنوان مآخذی معتبر و مستند، جای‌جای متن و به فراخور نیاز به آنها ارجاع داده شده، نشان از آگاهی و توجه دقیق او به کتب کلاسیک و روز جهان در حیطه علم جغرافیا و احساس دغدغه و مسئولیت او نسبت به طرح و شرح مضامین و دیدگاه‌های جهانی در جامعه علمی ایران آن روزگار دارد. بنابراین مضامین و محتویات این کتاب‌ها و نیز شکل و سیاق روایت آنها - که هنوز در این دوره چندان جنبه تحلیلی نداشته و بیشتر توصیفی‌اند - تصویری از دکتر شکویی در مقام یک توصیف‌گر و شارح در این دوره و آغاز یک حرکت در علم جغرافیا در کشور را ارایه می‌کند. سفری که به تدریج و با حصول به پختگی و تجربه بیشتر، با تحلیل و نقد و البته نظریه‌پردازی نیز همراه می‌شود.

دوره دوم (۱۳۵۷-۱۳۵۳)

۱ - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: شکویی (۱۳۵۲)، جغرافیای شهری، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تبریز.
 ۲ - به عنوان مثال از ۷۱ مآخذ مورد استفاده در کتاب فلسفه جغرافیا، ۵۸ مآخذ یعنی حدود ۸۲٪ منابع، لاتین بوده‌اند. این حدود درصد در مورد تمامی کتاب‌های دکتر شکویی در هر سه دوره فکری کاملاً صادق است.

این دوره از فعالیت‌های علمی-فکری دکتر شکویی با نگارش چهار کتاب «شهرک‌های جدید» (۱۳۵۳)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای جهانگردی» (۱۳۵۴)، «محیط زیست شهری» (۱۳۵۵) و «حاشیه‌نشینان شهری» (۱۳۵۵) تعریف می‌شود. در این دوره، شاهد تحولی ظریف و البته معنادار در اندیشه و افکار او در ارتباط با موضوعات و مضامین علم جغرافیا هستیم. می‌توان گفت این تحول دو دلیل عمده داشته است: اول آنکه بازخوانی و کاوش دقیق در کتب فوق نشان از تغییری مشهود در ارتباط با موضوعات و مقولات مورد مطالعه او دارد؛ واقع امر این است که موضوعات و مضامین علمی، اساسی، پایه‌ای و عمدتاً انتزاعی کتب دوره اول، در این دوره جای خود را به مفاهیم و آموزه‌هایی عینی، انضمامی و ملموس می‌دهد. به تعبیری دیگر پس از طرح و شرح مباحث و مبانی نظری علم جغرافیا به طور عام - در کتاب فلسفه جغرافیا - و جغرافیای شهری به طور خاص، در این دوره پرداختن به موضوعات و مقولات موردی و ملموس نظیر شهرک‌های جدید، محیط زیست، جغرافیای جهانگردی و مباحث مربوط به حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی، به دغدغه فکری و رسالت دانشگاهی او مبدل می‌شود. و دلیل دوم آن که برای نخستین بار چهره ناقد و تحلیل‌گر دکتر شکویی در کنار شارح بودن، بخصوص در دو کتاب شهرک‌های جدید و حاشیه‌نشینی شهری آشکار می‌شود. از این دوره به بعد او علاوه بر معرفی و شرح موضوعات و مضامین جغرافیایی، گهگاه و به فراخور نیاز به تبیین، تحلیل و نقد آنها نیز می‌پردازد. ویژگی‌ای که در دوره سوم فکری او بسیار پررنگ‌تر و جدی‌تر می‌شود.

انگیزه و دغدغه اصلی دکتر شکویی در پرداختن به موضوع شهرک‌های جدید و نگارش کتابی در باب آن، بر این روال است: «ایجاد شهرک‌های جدید حرکت

تازه‌ای در تاریخ و فرهنگ انسانی است. این حرکت تازه، انسان‌های ساکن در کلانشهرها و جهانشهرها را به گونه کاملاً جدید پرورش می‌دهد. در اینجا همه گروه‌های سنی حتی کودکان و سالمندان نیز جای ویژه خود را می‌یابند. شهرک‌های جدید طبقات مختلف جامعه را در محیط‌های کوچک با چشم‌اندازهای دوست داشتنی و دلپذیر با طبیعت آشتی داده و همه امکانات شهرهای بزرگ را در اختیار انسان‌های خسته قرن ما قرار می‌دهد» (شکویی، ۱۳۵۳: ۱۱۸). عبارت فوق که مبین دیدگاه اصلی دکتر شکویی در ارتباط با شهرک‌های جدید و البته انگاره مرکزی کتاب نیز است، شهرک‌های جدید را به مثابه گزینه‌ای جدی و قابل تأمل در برابر مسائل و دشواری‌های ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی موجود در کلانشهرها مطرح می‌نماید. بر همین اساس و به منظور تبیین دقیق‌تر موضوع، کتاب به مباحث و مقولاتی نظیر تعریف اهداف شهرک‌های جدید، اهمیت شهرک‌های جدید در کشورهای در حال توسعه، شرایط لازم در ایجاد آنها، تأسیسات، وسایل ارتباطی، صنایع و مراکز فعالیت آنها و نیز دو مصداق واقعی از این شهرک‌ها - شهرک کلمبیا در آمریکا و شهرک تاپیولا در فنلاند - می‌پردازد^۱.

در کتاب مقدمه‌ای بر جغرافیای جهانگردی، کلیات مسأله جهانگردی، محور بحث قرار گرفته و همان‌گونه که در مقدمه کتاب آمده «ضمن مطالعه صنعت توریسم در رابطه با عوامل جغرافیایی و ارایه وضع کلی پراکندگی جغرافیایی صنعت توریسم، اصول برنامه‌ریزی توریستی و عوامل و مسائل و مشکلات توریسم را که طبعاً معطوف به جستجوی راه‌حل دشواری‌ها و معرفی شرایط

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: شکویی (۱۳۵۳)، شهرک‌های جدید، انتشارات دانشگاه تبریز.

مناسب برای گسترش طبیعی این صنعت است، مطرح می‌سازد» (شکویی، ۱۳۵۴، مقدمه).

در این کتاب نیز به مانند کتاب شهرک‌های جدید، در کنار بخش تعاریف و مبانی نظری، به ارائه مصادیقی عینی از جغرافیای جهانگردی در کشورهای مختلف جهان نظیر انگلستان، آمریکا، شوروی، ایرلند، مصر و... پراخته شده است.^۱ کتاب محیط‌زیست شهری او، پژوهشی است در ارتباط با مسائل گوناگون محیط‌زیست شهری. دکتر شکویی در این کتاب با خرد کردن موضوع اصلی در قالب‌های جزءتری چون آب‌وهوای ویژه شهرها، آلودگی صوتی و ضعف شنوایی مردم شهرها، پارک‌ها و فضاهای باز شهری، امراض شهری^۲ و نیز اشاره به طرق مقابله با خطرات ناشی از این آلودگی‌ها و نارسایی‌ها، سعی در شرح و تبیین موضوع بسیار جدی محیط‌زیست شهری دارد. آخرین کتاب این دوره یعنی حاشیه‌نشینان شهری، نسبت به سه اثر قبلی، جنبه تبیینی - تحلیلی پُررنگ‌تری داشته و در آن نخستین پژوهش‌های انتقادی ذهن و اندیشه دکتر شکویی به گوش می‌رسد. این کتاب به گونه‌ای کاملاً بی‌واسطه و مستقیم مبین نظر و دیدگاه‌های او در ارتباط با مقوله بسیار حساس و جدی حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی است؛ این دیدگاه‌ها را می‌توان در قالب سه مضمون اصلی به صورت زیر بیان داشت:

دیدگاه اول: در حاشیه زیستن

«زاغه‌نشینی به سبب در حاشیه زیستن، وسیله‌ای جهت اظهار عقیده، طرح

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: شکویی (۱۳۵۳)، مقدمه بر جغرافیای جهانگردی، انتشارات دانشگاه تبریز.

۲- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: شکویی (۱۳۵۵)، محیط‌زیست شهری، انتشارات دانشگاه تبریز.

خواسته‌ها و نیازهای خود نمی‌یابد. چنین می‌نماید که ساکنین منطقه حاشیه‌نشین با دنیای خارج قطع رابطه کرده‌اند. در اینجا هرچه محیط زندگی اراده کند و پیش بیاورد، پذیرفته می‌شود. اما کمترین حرکتی در راه بهتر ساختن محیط زندگی صورت نمی‌گیرد. تنها راه علاج مردم حاشیه‌نشین، درحاشیه زیستن و کناره‌گیری از مردم شهری است و این در حاشیه زیستن را جامعه شهری بر آنها تحمیل می‌کند» (شکویی، ۱۳۵۵: ۷ و ۸).

دیدگاه دوم: حاشیه‌نشینی به مثابه امری اجتماعی

«مسأله حاشیه‌نشینی مهم‌تر از آن است که تنها با کوچ دادن حاشیه‌نشینان به محله‌های دیگر، توانسته باشیم به راه‌حل‌های مناسبی برسیم. کوچ دادن و انتقال مردم حاشیه‌نشین شهرها نمی‌تواند در فرهنگ خاص منطقه کوچک‌ترین تغییری به وجود آورد. فکر انتقال حاشیه‌نشینان شهری، یکی از روش‌هایی است که تنها به هنگام بحث در پاکسازی محیط فیزیکی زاغه‌ها مطرح می‌شود در حالی که ایجاد شرایط مناسب اجتماعی و فرهنگی مهم‌تر از اصلاح شرایط فیزیکی تشخیص داده شده است. در اینجا نمی‌توان با چند سخنرانی و یا راهنمایی‌های چند ساعته به سرعت بر فقر فرهنگی مردم غلبه کرد... دگرگونی در زندگی حاشیه‌نشینان وقتی عملی خواهد شد که مردم حاشیه‌نشین خود احساس مسئولیت کنند. این مردم باید از نتیجه همه برنامه‌های اجتماعی که به خاطر سالم‌سازی محیط زیست آنها تنظیم می‌شود مطمئن باشند و در این راه تغییر روش‌های زندگی را لازم بدانند» (شکویی، ۱۳۵۵: ۱۲۸).

دیدگاه سوم: حاشیه‌نشینی و خانه‌های ارزان‌قیمت

«در پاره‌ای موارد، حاشیه‌نشین نتیجه فقر نیست بلکه ناشی از کمبود مسکن ارزان‌قیمت است... تا زمانی که خانه‌های ارزان‌قیمت به حد کافی تهیه نشوند، حاشیه‌نشینی یک امر کاملاً عادی به شمار خواهد آمد» (شکویی، ۱۳۵۵: ۱۰۹).

دکتر شکویی با محور قرار دادن این دیدگاه‌ها به شرح، تبیین و تحلیل و گاه نقد موضوعات و مضامین مرتبط با امر حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی پرداخته و با رایه راهکارها و گزینه‌هایی^۱ سعی در تحت تأثیر قرار دادن و به تأمل وا داشتن افکار و اندیشه مردمان دیروز و امروز داشته است.

آنچه در این میان به عنوان فصل مشترک چهار اثر فوق نمایان است، شیوه پرداخت و نوع روایت‌گری تقریباً ثابت دکتر شکویی در این آثار است. در واقع گرچه در این کتب با مفاهیم و مقولاتی عینی و ملموس مواجه هستیم، ولی این مفاهیم عمدتاً جنبه و صبغه تاریخی - سرزمینی ایران آن روزگار را به صورت مستقیم و بی‌واسطه منعکس نکرده و اکثراً نشأت گرفته و منبعث شده از مطالعه و بررسی متون و منابع لاتین هستند. به دیگر سخن می‌توان گفت که آثار این دوره بیش از آنکه بخواهد حاوی دیدگاه، آموزه و یا انگاره‌ای خاص در ارتباط با مسائل مختلفی چون محیط زیست، شهرک‌های جدید، زاغه‌نشینی و... در جامعه ایران باشند، پژوهشی علمی و مستند براساس شمار زیادی منابع لاتین هستند؛^۲ آثاری

۱- برای اطلاعات دقیق‌تر از جزئیات این راهکارها و گزینه‌ها رجوع شود به: شکویی (۱۳۵۵)، حاشیه‌نشینان شهری، انتشارات دانشگاه تبریز، صفحات ۸۵ و ۸۶.

۲- در انتقاد از چنین روندی است که دکتر محمد حسین پایلی یزدی، در مباحثه‌ای علمی-انتقادی با دکتر حسین شکویی به سال ۱۳۶۷، یکی از ویژگی‌های آثار نویسندگان جهان سوم را اعتقاد راسخ آن‌ها به گفتارها، نوشتارها و تعاریف و تئوری‌های نویسندگان و مکاتب مختلف غربی (به ویژه انگلیسی‌زبان) می‌داند و به طور مشخص در ارتباط با

که گرچه در نگاه نخست نشان و تأثیری از بومی بودن را - به صورت مستقیم - در خود ندارند، ولی از آن جا که در آنها نخستین رایحه‌های بحث‌های گسترده و جدی آتی در مورد وضعیت ایران به مشام می‌رسد، می‌توانند به مثابه نقطه عزیمت مناسبی برای حصول آگاهی و درک بازتابی از مسائل و مشکلات ایران زمین مطرح شوند.

دوره سوم (۱۳۸۴-۱۳۵۷)

دوره سوم زندگی و حیات علمی - فکری دکتر شکویی با حجم انبوهی از کتب و مقالات متعدد، از لحاظ مضمون و محتوا بازگشتی معنادار به دوره اول است. بدین ترتیب که مجدداً مفاهیم و موضوعات اساسی و ماهوی علم جغرافیا، البته این بار به گونه‌ای تحلیلی‌تر و دقیق‌تر در مرکز توجه آثار این دوره قرار می‌گیرد. از این پس اندیشه‌های فلسفی، فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه‌های اجتماعی به عنوان عوامل شناخت جغرافیای نو در تقابل با جغرافیای سنتی، دغدغه اصلی او در مسیر و سفری طولانی و دراز می‌شود. سفری که از کتاب جغرافیای کاربردی آغاز و به کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا ختم می‌شود. در این میان، دکتر شکویی در عین شارح و ناقد بودن، از طریق تألیفات گسترده خود به تدوین نظر در علم جغرافیا پرداخته و با شرح و بسط و نقد و تحلیل همه‌جانبه مکاتب و

پژوهش‌ها و مطالعات دکتر شکویی می‌نویسد: «بدون اغراق هیچ مطلب و مقاله‌ای از آقای دکتر شکویی نیست که در آن یک تعریف جدید از جغرافیا و یا شاخه‌ای از جغرافیا، از جغرافی دانان غربی نقل و ارایه نشده باشد» (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷، ۵۱) و از همین ره دکتر پاپلی یزدی رسالت خود را در جغرافیا تلاشی برای بازگشت به خویشتن خویش، به فرهنگ، دین و سنت‌های خویش می‌داند. دکتر شکویی نیز در همان زمان در مقاله‌ای دیگر با رد این اتهام - مونتاز گونه بودن آثارش - می‌نویسد: «من بر خلاف نویسنده محترم (منظور دکتر پاپلی یزدی) با توجه به شرایط فرهنگی جامعه‌مان و کمبود شدید کتاب‌های جغرافیایی، معتقدم هر گونه ترجمه، اقتباس، ترجمه آزاد، تالیف و ترجمه با شرط گریز از کجراهی‌های فکری، باید با احترام پذیرفته شود» (شکویی، ۱۳۶۷، ۴۹).

اندیشه‌های جغرافیایی - از گذشته تا امروز - و نیز افکار و اندیشه‌های گذشته خود^۱، به گونه‌ای جدی دربارهٔ آنها نظریه‌پردازی می‌کند.

کتاب «جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی» در میانهٔ دههٔ ۱۳۶۰ «شاید نگاهی نخستین به مفاهیم، اصول و نگرش‌های جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی باشد» (شکویی، ۱۳۶۵، ۱۰). اندیشه و دیدگاه اصلی دکتر شکویی در این کتاب نوعی هم‌پیوندی نزدیک میان جغرافیای کاربردی و مکتب‌های فلسفی است و در همین ارتباط می‌نویسد: «اندیشه‌های فلسفی در ایجاد مکتب‌های جغرافیایی تأثیرات بسیاری داشته‌اند. چنین بنظر می‌رسد که اندیشه‌های فلسفی، در جغرافیای کاربردی بیش از جغرافیای محض مؤثر بوده است چرا که مکتب‌های فلسفی، تعبیرهای تازه‌ای، برای زندگی یافته‌اند. از طرفی، جغرافیای کاربردی نسبت به جغرافیای محض، مستقیماً با مسائل حقیقی، علمی و سودمند زندگی درگیر است. از این رو، جغرافیای کاربردی دارای ماهیت فلسفی است و بار فلسفی سنگینی را به دوش می‌کشد» (شکویی، ۱۳۶۵، ۱۷۱). براساس همین دیدگاه، در کتاب به موضوعاتی نظیر جغرافیا و پوزیتیویسم منطقی، جغرافیا و مکتب پراگماتیسم، جغرافیا و مکتب کارکردگرایی و مواردی از این دست^۲ پرداخته شده است.

۱- به عنوان مثال دکتر شکویی در ارتباط با تحول فکری خود می‌نویسد: «در ده سال اول خدمت در گروه جغرافیای دانشگاه تبریز، شارح جغرافیای سرمایه‌داری کشورهای آمریکا و انگلستان بوده‌ام که با تألیف کتاب «حاشیه‌نشینان شهری»، تا حدودی از این غفلت رها شدم و بعد از آن، سعی کردم تا از تجدید چاپ کتاب‌های قبلی‌ام خودداری شود. تأسف بار است گفته شود که هنوز هم به این تفکرات کهنه و استعماری، رسالهٔ دکتری نوشته می‌شود» (شکویی، ۱۳۸۳، ۲۳).

۲- برای اطلاعات دقیق‌تر از جزئیات مکاتب مذکور رجوع شود به: شکویی (۱۳۶۵)، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، صفحات ۲۰۳ - ۱۷۱.

کتاب «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی» (۱۳۶۶) شرحی است کامل و مبسوط و البته تحلیلی انتقادی پیرامون موضوع محوری اکولوژی شهری. دیدگاه و اندیشه او در ارتباط با مقوله مذکور بدین شرح است: «اکولوژی اجتماعی شهرها که از آن به عنوان جغرافیای اجتماعی شهرها نیز نام می‌برند، شیوه اجتماعی - اقتصادی شهرها را به تصویر می‌کشد و بر هویت اجتماعی شهرها تأکید دارد. اکولوژی اجتماعی شهرها به تعادل‌بخشی میان ساخت فیزیکی و ساخت اجتماعی شهر می‌اندیشد و در تلاش است که تا کمبودهای جامعه شهری، در رابطه با ساخت فیزیکی شهرها نشان داده شود و ساخت فیزیکی شهرها، منطبق و سازگار با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرها سامان گیرد. به سخن ساده، اکولوژی اجتماعی شهرها، گذرگاه تازه‌ای می‌جوید تا همه شهروندان بتوانند در سراسر شهر به زندگی شایسته‌ای دست یابند» (شکویی، ۱۳۶۶: ۱ و ۲).

بر این اساس مفهوم بوم‌شناسی اجتماعی شهرها و به تبع آن جدایی‌گزینی بوم‌شناسانه، مضمون و انگاره مرکزی کتاب بوده و همه آنچه در فصول متعدد آن آمده، در حکم توضیحات، تبیینات و مصادیقی عینی و روشن بر انگاره و آموزه مذکور هستند. مصادیق و نمونه‌هایی نظیر وضعیت گتوها به مثابه آزمایشگاه بوم‌شناسی شهری، شهرهای استعمارزده، الجزایر پیش و پس از انقلاب، تحلیل انقلاب چین در وضعیت شهرها، آپارتاید و شهر، تحلیل شهرهای اروپای شرقی و شوروی و مواردی بسیار از این دست^۱، در کتاب به گونه‌ای دقیق و تحلیلی مورد

۱- برای اطلاعات دقیق‌تر از جزئیات مصادیق مذکور، رجوع شود به: شکویی (۱۳۶۶) جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی، صفحات ۱۹۵-۱۳۷.

کاوش و بررسی قرار گرفته‌اند.

در دهه ۱۳۶۰ علاوه بر نگارش این دو کتاب، مقالات متعددی نیز در باب موضوعات گوناگون و مفاهیم و دیدگاه‌های نو در علم جغرافیا - نظیر جغرافیا در ژاپن، ضرورت تغییر برنامه‌های جغرافیا در دانشگاه‌ها و... - در مجله «رشد آموزش جغرافیا» از ایشان به چاپ رسیده است^۱ که بی‌شک تأثیری جدی و قابل تأمل در ارتقای سطح دانش و معلومات جغرافیایی اساتید و دانشجویان در دهه ۱۳۶۰ داشته است. در همین زمان، در بخش «نقد و بررسی کتاب و مقاله» مجله رشد آموزش جغرافیا، او در اقدامی بدیع و نو به شرح، تبیین و نقد پاره‌ای از کتب و مقالات جدی و علمی آن روزگار می‌پردازد و از این ره باب بحث و گفت‌وگو را در فضای علمی آن زمان می‌گشاید. جغرافی‌دانانی همچون شادروان دکتر یدالله فرید، دکتر پریدخت فشارکی و دکتر محمد حسین پاپلی یزدی از جمله افرادی هستند که در این دوره دکتر شکویی به نقد و تحلیل پاره‌ای از آثار آنها می‌پردازد.^۲

۱- علاوه بر مجله «رشد آموزش جغرافیا»، مقالات علمی متعددی از او در دهه ۱۳۷۰ و سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۸۰ منتشر گشته است. این مقالات عمدتاً در چهار نشریه فصلنامه مدرس، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی و مجله پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران به چاپ رسیده‌اند.

۲- پاره‌ای از مباحثات علمی و برخوردهای نقادانه‌ای که میان دکتر شکویی و برخی از جغرافی‌دانان در دهه ۱۳۶۰ (سال‌های ۶۸-۶۷-۱۳۶۶) در مجله رشد آموزش جغرافیا صورت گرفت، عبارتند از:

- مباحثه علمی و انتقادی دکتر حسین شکویی و دکتر پریدخت فشارکی در ارتباط با مفهوم «چشم‌انداز در علم جغرافیا» (مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴). - مباحثه علمی و انتقادی دکتر حسین شکویی و دکتر محمد حسین پاپلی یزدی در ارتباط با تعریف و مفهوم علم جغرافیا (مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۱۲، ۱۴ و ۱۵). - مباحثه علمی و انتقادی دکتر حسین شکویی و شادروان دکتر یدالله فرید در ارتباط با نظریات تنی چند از جغرافی‌دانان فرانسوی و مفاهیمی هم‌چون جبرگرایی، جغرافیای انسانی، جغرافیای فرهنگی و... (مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۱۹).

نگارش کتاب «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری» در اوایل دهه ۱۳۷۰ نشان از توجه دوباره و البته جدی‌تر و عمیق‌تر دکتر شکویی به موضوع جغرافیای شهری است؛ موضوعی که ایشان در سال ۱۳۵۲ در دومین کتاب خود، به بحث پیرامون آن پرداخته بودند. کتاب، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری را مطرح می‌کند و اثری سترگ، جامع، انتقادی و تحلیلی در ارتباط با انواع انگاره‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با مقوله جغرافیای شهری و به طور کلی شهرهاست. او خود در مقدمه کتاب می‌نویسد: «در تألیف این کتاب سعی شده است که بیشتر نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی با توجه به ساخت‌های شهری مطرح شود؛ البته طرح این نظریه‌ها دلیل بر پذیرش همه آنها نیست. هدف ما این است که در یک کتاب دانشگاهی همه نظریه‌ها و اندیشه‌ها مورد بحث و تحلیل قرار بگیرد» (شکویی، ۱۳۷۳: ۳). مطابق با منطبق فوق کتاب در دوازده فصل و عمدتاً مبتنی بر آراء و اندیشه‌های متفکران و جغرافی‌دانان جهانی به بررسی و تحلیل موارد متعددی نظیر جغرافیای شهری، مفاهیم شهری، زندگی شهری، مادر شهرها، سیستم‌های شهری، وابستگی‌های فضایی و روابط شهر و روستا و شمار کثیری از سایر موضوعات مرتبط با بحث می‌پردازد.

کتاب «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، (جلد اول)» در نیمه دهه ۱۳۷۰، ادامه منطقی مباحث و مضامین مطروحه در آثاری نظیر: فلسفه جغرافیا (۱۳۴۹) و جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی (۱۳۶۵) البته به گونه‌ای کامل‌تر و جامع‌تر است. کتاب مذکور حاوی دو دیدگاه و طرح اصلی است که به گونه‌ای ضمنی مبین ذهن نظریه‌پرداز و اندیشه دکتر شکویی می‌باشند:

دیدگاه اول: تألیف و نه ترجمه و تقلید

«در جغرافیای انسانی کشورهای توسعه نیافته، تفکرات تقلیدی و ترجمه‌ای نتوانسته است که به ریشه‌یابی مسائل آنها کمک کند زیرا، پدیده‌های مکانی - فضایی کشورهای کمتر توسعه‌یافته از شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص آنها منشأ می‌گیرد. اگر تفکرات و نظریه‌های جغرافیایی کشورهای توسعه‌یافته غربی، از صافی اقتصاد سیاسی و فرهنگی کشورهای کمتر توسعه‌یافته عبور داده نشود، این قبیل نظریه‌ها، نمی‌توانند در پهنه اندیشه و محیط جغرافیایی جهان سوم مؤثر افتند. اشتیاق به اندیشه‌پروری و نظریه‌پردازی، تنها از طریق تألیفات امکان‌پذیر است. (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۶۲)... از این رو شرایط زمان ما حکم می‌کند که هر جغرافیدان جهان سومی، در آثار و تحقیقات جغرافیایی خود، ابتدا باید روی مفاهیم زیر بیشتر بیندیشد: چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ جهت کدام ملت؟» (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۰).

عبارات فوق کاملاً با اندیشه‌ها و آثار دکتر شکویی همسوست. او هرگز در سرتاسر حیات علمی خویش، دست به کار ترجمه صرف نزده و همواره، با شرح و بررسی و بعضاً تبیین و تحلیل دیدگاه‌ها، مضامین و انگاره‌های مکاتب جغرافیایی متنوع و گوناگون، آثار خود را به رشته تحریر در آورده است.

دیدگاه دوم: به سوی کثرت‌گرایی و جغرافیای تلفیقی

«توان گفت که در علم جغرافیا، با در نظر گرفتن افتراق مکانی - فضایی پدیده‌ها، حقیقت واحدی وجود ندارد. در این راستا، دیدگاه‌های مختلف جغرافیایی، غالباً در

تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. تکیه بر جغرافیای نظریه‌ای (تئوریک) به عنوان کانون هر نوع مطالعه جغرافیایی، ناشی از این امر است. زیرا، هر نوع جغرافیای کاربردی با تفکرات فلسفی و اقتصاد سیاسی خاصی همسویی دارد و نمی‌تواند بدون جغرافیای نظریه‌ای، کارساز شود. با توجه به این دیدگاه‌های مختلف جغرافیایی، شاید منطقی آن باشد که در مطالعات جغرافیایی، به دیدگاه‌های کثرت‌گرا، بیشتر بیندیشیم (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۰ و ۱۱). ... چه بسا که ممکن است در این راه به سوی جغرافیای تلفیقی کشیده شویم. به سخن روشن به آواز اندیشه کنیم نه به آوازخوان. سعی کنیم که از اعتیاد به یک اندیشه خاص پرهیزیم و از همه اندیشه‌ها بهره‌برگیریم» (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۶۱).

حضور بسیاری از نظریه‌های جغرافیایی و بررسی و تبیین و نیز نقد و تحلیل هم‌زمان این نظریه‌ها و مکاتب، در آثار دوره سوم حیات علمی دکتر شکویی و به خصوص در دو کتاب آخر - این کتاب و کتاب بعدی که به سال ۱۳۸۲ منتشر شد - بیش و کم مبین مؤمن بودن ایشان به دیدگاه فوق است.

جلد دوم کتاب مذکور تحت عنوان «فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی» که در سال ۱۳۸۲ برای نخستین بار منتشر گشت، جمع‌بندی ارزشمندی است بر اندیشه‌ها و افکار دکتر شکویی تا زمانی که جسماً در قید حیات بودند و البته آغازگر راهی سخت، دشوار و البته امیدبخش بر فعالیت‌های فکری و علمی نسلی دیگر در سال‌های آتی که بی‌شک حضور همیشگی دکتر شکویی را در قالب فکر و اندیشه در کنار خود حس خواهند کرد. کتاب مذکور در یک کلام تبلور کامل هر سه چهره شارح، ناقد و نظریه‌پرداز دکتر شکویی در حیطه علم جغرافیاست. ایشان با اعتقاد به این که «تاریخ علم جغرافیا، تاریخ

اندیشه‌های جغرافیایی است»، با محوریت قرار دادن مکاتب و جریان‌های فکری جغرافیایی از دیروز تا امروز، بحثی تحلیلی - تبیینی - انتقادی را در ارتباط با این اندیشه‌ها مطرح و لزوم توجه به این مقوله را برای همه پژوهشگران و محققان ایرانی ضروری می‌دانند. ایشان می‌نویسند:

«به نظر من، اگر ما در ایران نتوانسته‌ایم به بنیان‌های استوار در اندیشه‌های جغرافیایی دست یابیم، این واپس‌ماندگی را باید در عدم توجه به اندیشه‌های فلسفی جستجو کرد. متأسفانه در کشور ما، هنوز هم حوزه نظری جغرافیا به شدت در غفلت و بی‌ثمری به سر می‌برد. سطحی بودن پاره‌ای از آثار جغرافیایی، حاصل این غفلت و تفکر بی‌سامان است. از این رو، در کشور ما، در محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی، جغرافیا در مقایسه با سایر علوم مشابه، حضوری کم‌رنگ و بی‌جلوه‌ای دارد. ما در آغاز راهی دراز در علم جغرافیا هستیم اما حرکت مان کند و بطئی است. پس لازم بود فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه‌های اجتماعی که امروزه عوامل شناخت جغرافیای نو از جغرافیای سنتی است در این کتاب بیاید» (شکویی، ۱۳۸۲: ۹). «فراموش نکنیم که در این عصر تغییرات شتابان جهانی، اگر علم جغرافیا از اندیشه‌های اجتماعی - اقتصادی بهره نگیرد به گزارشات درهم و آشفته از روابط انسان و محیط تبدیل می‌شود. زیرا ما تنها در پرتو نظام‌های فلسفی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانیم به جغرافیای راستین توفیق یابیم، از جغرافیای سنتی فاصله بگیریم و جغرافیا را به صورت یک علم خلاق در جریان خروشان حیات در بیاوریم (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۸۵ و ۲۸۶).

با استناد بر این نظر، بخش اعظم کتاب حاوی شرح و بررسی مکاتب مختلف

جغرافیایی نظیر ساختاری، رادیکال، آنارشیستی، انتقادی^۱ و... است. موضوع جدی و مهم دیگری که در کتاب به آن پرداخته شده، ارتباط و همبستگی و یا به بیان بهتر تأثیرات و تأثرات عقیدتی و محیط‌های جغرافیایی است^۲، با این مضمون که: «هر محیط جغرافیایی، نمادی از یک شیوه تفکر خاص، یا عملکردی از ایدئولوژی خاص، موجودیت می‌یابد. از این رو، منطقی است که در هر تفسیر و تبیین جغرافیایی از پدیده‌ها و محیط‌ها، روی میزان قدرت، توان و باورهای ایدئولوژی و فلسفه سیاسی نظام حاکم تأکید شود و شناخت عقاید (ایدئولوژی) تصمیم‌گیرندگان نظام‌های اجتماعی در کانون مباحث و تحلیل‌های جغرافیایی قرار بگیرد» (شکویی، ۱۳۸۲: ۴۸). و در ادامه دکتر شکویی با ارایه مصادیقی عینی از این مضمون در قالب‌های سوسیالیسم مائو در چین، ملی‌گرایی سورکانو در اندونزی، ایدئولوژی عدم خشونت گاندی در هند و... به بررسی و تبیین محیط‌های جغرافیایی متفاوت برآمده و خلق شده از این ایدئولوژی‌ها می‌پردازد.

بخش پایانی کتاب مذکور با ارایه تعریفی نو از جغرافیا به مثابه نتیجه و حاصل تمامی بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته بر انواع مضامین، انگاره‌ها، اندیشه‌ها

۱- برای اطلاعات دقیق‌تر از جزئیات مکاتب مذکور رجوع شود به: شکویی (۱۳۸۲)، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، صص ۲۶۴ - ۱۱۱.

۲- در مورد همبستگی و برهم‌کنش دوسویه ایدئولوژی‌ها و محیط‌های جغرافیایی، پیش از این نیز، دکتر شکویی در مباحثه‌ای علمی - انتقادی با دکتر حسین پاپلی یزدی بر سر «تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا» - عنوان مقاله دکتر پاپلی یزدی در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره اول، ۱۳۶۵ - مباحثی را عنوان کرده بود. او با انتقاد از افزودن مفهومی جدید تحت عنوان «تکنیک» (پیشنهاد شده از سوی دکتر پاپلی یزدی) به تعریف علم جغرافیا، این‌گونه نوشته بود که «پدیده‌ها، چهره‌ها و چشم‌اندازهای جغرافیایی، حاصل نظام‌های حکومتی، ایدئولوژی و سیاست کشورهاست نه تکنیک انتخابی بر آنها. از این رو، در ساخت چشم‌اندازهای جغرافیایی، ایدئولوژی، سیستم‌های اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی اصل و تکنیک فرع و زاده آن‌هاست. بدینسان که تکنیک تنها گوشه کوچکی از کار را نشان می‌دهد» (شکویی، ۱۳۶۶: ۵۰).

و مکاتب، چه در این کتاب و چه در سایر آثار دکتر شکویی، به شرح زیر است: «نگارنده در جهت دستیابی به جایگاه استوار منطق جغرافیایی، پیشنهاد می‌کند که با افزودن میانجیگری فرآیندهای نهادی و ساختاری به تعریف جغرافیا، بتوانیم این ناتوانی منطق جغرافیایی را برطرف کنیم، تا در همه مطالعات و تحلیل‌های جغرافیایی، قادر باشیم که فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه‌های اجتماعی را با واقعیت‌های مکانی - فضایی پیوند دهیم: جغرافیا، روابط متقابل میان انسان و محیط و یا انسان و مکان را با میانجیگری فرآیندهای نهادی و ساختاری مطالعه می‌کند» (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۸۶ و ۲۸۷). بی‌راه و اغراق‌آمیز نخواهد بود اگر حیات علمی و فکری دکتر شکویی را سفری از مبدأ صفر تا حصول و دستیابی به تعریف فوق از جغرافیا به مثابه مقصد نهایی بدانیم؛ گرچه پس از او، این سفر همچنان ادامه دارد.

نتیجه‌گیری

هدف از تدوین این نوشتار بازخوانی سیر تطور اندیشه دکتر شکویی بوده و پیگیری این هدف با طرح روایتی سه بخشی، در ارتباط با حیات علمی - فکری او صورت گرفته است. بنابراین سعی شده تا با بازخوانی و کاوش در آراء و اندیشه‌های مطروحه در آثار هر دوره، تصویر و تصویری بیش و کم دقیق و مستند از فعالیت‌های علمی و سیر تحول فکری او ارائه شود.

توجه دقیق به دو کتاب فلسفه جغرافیا (۱۳۴۹) و جغرافیای شهری (۱۳۵۲) در دوره اول حیات فکری او (۱۳۵۳ - ۱۳۴۹) حاکی از نقش پیشتاز او در شرح و بررسی آراء و عقاید جغرافیدانان جهان و دغدغه فکری او در طرح این

موضوعات و مضامین در جامعه آن روزگار دارد. شرح و بسط مقولات و مفاهیم پایه‌ای، بنیادین و انتزاعی علم جغرافیا در کشور، تصویری از او به عنوان شارح اندیشه‌ها و مکاتب جغرافیایی به دست می‌دهد. در دوره دوم (۱۳۵۷ - ۱۳۵۳) با نگارش چهار کتاب شهرک‌های جدید (۱۳۵۳)، مقدمه بر جغرافیای جهانگردی (۱۳۵۳)، محیط زیست شهری (۱۳۵۵) و حاشیه‌نشینان شهری (۱۳۵۹)، تحولی ظریف و در عین حال معنادار را در ذهن و اندیشه او شاهد هستیم. گذار از مفاهیم و مباحث اساسی و پایه‌ای علم جغرافیا و عطف به مقولات و مضامین عینی و ملموس مشخصه بارز و مشهود آثار این دوره است. ضمن اینکه او در عین شرح و بررسی مباحث مطروحه در آثارش - به مانند دوره قبل - برای نخستین بار به نقد و تحلیل آنها نیز می‌پردازد. این ویژگی به خصوص در دو کتاب شهرک‌های جدید و حاشیه‌نشینان شهری آشکار می‌شود.

در دوره سوم (۱۳۸۴-۱۳۵۷) با تأکید بر شارح بودن و در همراهی با نقادی، او به نقد اندیشه‌های گذشته خود و تدوین نظر پرداخته و خود را به عنوان متفکری با دیدگاه مشخص و معین، معرفی می‌کند. با انتشار کتاب جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی در سال ۱۳۶۵ به حیطه فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه‌های اجتماعی گام نهاده و با شرح و بسط آنها در آثار بعدی، جغرافیا، سیاست، اقتصاد، اجتماع و... همه با هم درمی‌آمیزد. بارزترین مصداق این امر در بین آثار این دوره، کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول ۱۳۵۷، جلد دوم ۱۳۸۳) است. از این پس محیط اجتماعی بستر اصلی اندیشه‌های جغرافیایی او می‌شود، هر محیط جغرافیایی بستری می‌شود برای تبلور شیوه تفکر خاص، عملکردی ویژه و یا عقیده‌ای منحصر به فرد. او با ارایه تعریفی نو از جغرافیا به

میانجی‌گری فرایندهای نهادی و ساختاری روی می‌آورد، و کاویدن و باز کاویدن نظریه‌های جغرافیایی را کماکان ادامه می‌دهد و با توجهی دقیق و مستمر به بستر اجتماعی و شاید بهتر جغرافیای اجتماعی سرزمین خود نظریه‌پردازی را نیز آغاز می‌کند.

Archive of SID

منابع

- ۱- پایلی یزدی، محمد حسین (۱۳۶۷)، «پاسخگویی به نقد و بررسی کتاب و مقاله»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، سال سوم، شماره ۱۴، صص ۴۹-۵۲.
- ۲- شکویی، حسین (۱۳۶۴)، «فلسفه جغرافیا»، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۳- شکویی، حسین (۱۳۵۲)، «جغرافیای شهری»، جلد اول و دوم، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۴- شکویی، حسین (۱۳۵۳)، «شهرک‌های جدید»، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۵- شکویی، حسین (۱۳۵۳)، «مقدمه بر جغرافیای جهانگردی»، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۶- شکویی، حسین (۱۳۵۵)، «محیط زیست شهری»، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۷- شکویی، حسین (۱۳۵۵)، «حاشیه‌نشینان شهری»، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۸- شکویی، حسین (۱۳۶۵)، «جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی»، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- ۹- شکویی، حسین (۱۳۶۶)، «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی»، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۱۰- شکویی، حسین (۱۳۶۶)، «نقد و بررسی کتاب»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۴۸-۵۱.
- ۱۱- شکویی، حسین (۱۳۶۷)، «پاسخگویی به نقد و بررسی کتاب و مقاله»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۴۹-۵۳.

- ۱۲- شکویی، حسین (۱۳۷۳)، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۳- شکویی، حسین (۱۳۷۵)، «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۱۴- شکویی، حسین (۱۳۸۲)، «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، جلد دوم، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۱۵- شکویی، حسین (۱۳۸۳)، «به دیده انصاف بنگریم»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۳، بخش ضمیمه، صص ۲۰-۲۵.

Archive of SID

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران